

## □ مقاله ها

### حضور ناتو در قفقاز جنوبی: ابعاد، محدودیتها و پیامدها

#### منوچهر مرادی<sup>۱</sup>

در کنار حضور بازیگران دولتی منطقه ای و فرامنطقه ای در حوزه قفقاز جنوبی، برخی سازمانها و نهادهای سیاسی و امنیتی بین المللی نظیر سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز در منطقه حضور دارند. با عنایت به ماهیت سیاسی و امنیتی ناتو و تلاش وسیعتر و نفوذ رو به گسترش آن در حوزه اوراسیا، مقاله حاضر با بررسی مناسبات ناتو با سه کشور قفقاز جنوبی، به بررسی ابعاد و پیامدهای آن خواهد پرداخت. طی سه بخش ضمن تشریح راهبرد ناتو در قبال شرکای شرقی، روابط سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان با ناتو مورد ارزیابی قرار گرفته و به بررسی موانع و محدودیتهای موجود در توسعه همکاری ناتو با کشورهای قفقاز جنوبی و پیامدهای حضور ناتو در ثبات و امنیت منطقه پرداخته خواهد شد. مقاله حاضر این فرضیه را بررسی خواهد کرد که حضور ناتو و دیگر سازمانهای بین المللی مشابه و سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا گرچه تحول مهمی در روند مسائل منطقه قفقاز جنوبی محسوب می گردد لکن دستاوردهای آن در زمینه استقرار صلح و ثبات، مطابق انتظارات کشورهای منطقه نبوده و تغییر بنیانی در این زمینه ایجاد نکرده است.

واژگان کلیدی: ناتو، قفقاز جنوبی، ثبات، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۱. راهبرد ناتو در قبال شرکای شرقی

با خاتمه حیات پیمان ورشو و فروپاشی اتحاد شوروی، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بیشترین تلاش خود را معطوف به ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و حوزه اتحاد شوروی نمود که برخی از آنها بعداً به عضویت ناتو در آمدند. سیاست کنونی ناتو در قبال شرکای شرقی این سازمان مبتنی بر مکانیزم مشارکت است. برنامه «مشارکت برای صلح»<sup>۲</sup> که در

۱. دکتر منوچهر مرادی رییس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است.

سب سران سو در برونسل در ژانویه ۱۶۶۲ مورد تصویب قرار گرفت، مکانیزمی است که همکاری عملی بین ناتو و کشورهای غیر عضو را تبیین می نماید. بر اساس «سند ارچوبی»، کشورهای غیر عضو موظف به انجام موارد زیر هستند:

شفاف سازی برنامه های دفاع ملی و روندهای بودجه ای،  
تضمین کنترل دمکراتیک نیروهای دفاعی،

حفظ قابلیتها و آمادگی دفاعی برای ایفای نقش در عملیات تحت نظارت سازمان ملل متحد و یا مسئولیتهای سازمان امنیت و همکاری اروپا،

توسعه روابط همکاری نظامی با ناتو با هدف برنامه ریزی، آموزش و مانورهای مشترک در جهت تقویت قابلیتهای خود در ماموریتهای محوله، حفاظت از صلح، جستجو و نجات، عملیات انساندوستانه و ...

و در دراز مدت، توسعه نیروهای مسلح که قادر به انجام عملیات با اعضای ناتو باشند.<sup>(۱)</sup>

«مشارکت برای صلح» معرف شکل، حوزه ها و اهداف همکاری بین ناتو از یک سو و نوره های شریک در اروپای مرکزی و شرقی و حوزه شوروی سابق از سوی دیگر است. مشارکت برای صلح» به هر یک از شرکای ناتو امکان می دهد تا شکل مناسب مشارکت با توجه به نیازهای خود انتخاب نمایند. حضور فعال در طرح «مشارکت برای صلح» یانه را برای دست یابی کشورهای غیر عضو به عضویت در ناتو فراهم می سازد. در نموع، «طرح مشارکت برای صلح» قصد دارد همکاری سیاسی و امنیتی با کشورهای ر عضو را گسترش داده تا بر اساس اهداف ناتو، با تهدیدات امنیتی مقابله نماید.<sup>(۲)</sup> لمرح مشارکت برای صلح» به طور مشخص برنامه ریزی شد تا به ایجاد ساختارهای موثر اعی کشورهای غیر عضو از طریق همکاریهای عملی به منظور مقابله با تهدیدات امنیتی ید، مساعدت شود و کنترل غیرنظامیان بر ارتش و شفافیت در برنامه های دفاعی را وایق نماید.

با عضویت سه کشور حوزه بالتیک یعنی لتونی، استونی و لیتوانی در دومین مرحله از ترش ناتو در اروپای شرقی، ناتو وارد قلمرو اتحاد شوروی شد و در تعاقب آن عضویت نانی و بلغارستان، موجب گردید تا ناتو بیش از پیش به قفقاز جنوبی نزدیک شود.

حضور فزاینده ناتو در منطقه، در واقع متأثر از سیاستهای اعضای اصلی آن در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی بود. در نتیجه، ناتو تعهدات وسیعی را در عراق و افغانستان بر عهده گرفت. برخی نظیر استفان بلانک اعتقاد دارند که "ناتو در حال تبدیل به سازمانی است که مأموریت اصلی آن امنیت جمعی و مدیریت بحران بوده و هسته فعالیت‌های آن به طور فزاینده ای متوجه جهان اسلام است."<sup>(۳)</sup>

بدین ترتیب به نظر می‌رسد منافع اعضای ناتو در قفقاز جنوبی به ویژه در ارتباط با آنچه مبارزه علیه تروریسم خوانده می‌شود، به میزانی افزایش یافته که بی‌ثباتی و ناآرامی در منطقه، منافع سازمان را در این منطقه مورد تهدید قرار خواهد داد. در نتیجه، منافع جمعی و منافع جداگانه هر یک از اعضای ناتو ایجاب می‌کند که سازمان نقش مهمتری در تحکیم ثبات و امنیت منطقه ایفا کند و این تئوری هم اکنون مبنای عمل ناتو در منطقه است. از سوی دیگر، به زعم کشورهای اروپایی، امنیت قاره کهن منحصر از طریق همکاری کشورهای غیر عضو با ناتو تضمین خواهد شد. چین استدلالی، یکی از مبنای حضور ناتو در قفقاز جنوبی است. جرج رابرتسون دبیر کل سابق ناتو در خلال دیدار خود از گرجستان در سپتامبر ۲۰۰۰ اظهار داشت: "امنیت ما به طور غیر قابل انکاری با امنیت دیگر کشورها گره خورده است. ما اعتقاد داریم که امنیت تنها زمانی در اروپا و مناطق پیرامونی آن تضمین خواهد شد که ثبات و تعهد به حل مسائل وجود داشته باشد."<sup>(۴)</sup> وی همچنین در خلال دیدار از ارمنستان، گرجستان و آذربایجان در روزهای ۱۶-۱۴ می ۲۰۰۳ بر تمایل روز افزون ناتو در پیشبرد امنیت منطقه ای تأکید نمود.<sup>(۵)</sup> رابرتسون در عین حال ضمن تأکید بر تلاش‌های سازمان برای گسترش فعالیت‌های خود در منطقه، بر محدودیت‌های ناتو در گسترش چتر امنیتی در منطقه قفقاز جنوبی را نیز مورد تأکید قرار داد.<sup>(۶)</sup>

نکته روشن آن است که برخی کشورهای حوزه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی در تهاجم نظامی امریکا و ناتو به افغانستان، نقش مهمی ایفا نمودند. قفقاز جنوبی به ویژه آذربایجان و گرجستان کریدور لجستیک حیاتی برای نیروهای امریکایی در دسترسی به مناطق عملیاتی افغانستان بودند. اهمیت قفقاز جنوبی برای ناتو با تهاجم امریکا به عراق بیش از پیش افزایش یافت و کمک‌های دو کشور آذربایجان و گرجستان به ویژه به دلیل عدم تمایل ترکیه به همکاری با امریکا در تهاجم به عراق، از سوی مقامات امریکایی مهم

ارزیابی شد. بعلاوه، با توجه به تنش جاری در روابط امریکا و ایران، اهمیت استراتژیک آذربایجان به عنوان کشوری که دارای مرز مشترک با ایران و روسیه است، بیش از پیش روشن می‌شود. به طور خلاصه، نگرانیهای فوری نظیر عملیات حفاظت از صلح در افغانستان بعلاوه ملاحظات استراتژیک عمیق تر اعضای ناتو موجب ارتقای نقش روزافزون قفقاز جنوبی نزد ناتو شده است.

## ۲. رویکرد کشورهای قفقاز جنوبی به ناتو

رویکرد سه کشور قفقاز جنوبی به ناتو نسبت به یکدیگر متفاوت است. روابط ارمنستان و ناتو علیرغم امضای سند چارچوبی مشارکت برای صلح در اکتبر ۱۹۹۴، طی نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ از پیشرفت چندانی برخوردار نبود. با امضای پیمان بنیادی روسیه-ناتو در سال ۱۹۹۷ روابط ارمنستان و ناتو نیز دچار تغییر شد. وازگن سرکیسیان وزیر دفاع وقت ارمنستان اعلام کرد که ارمنستان در مانورهای نظامی طرح مشارکت برای صلح حضور خواهدیافت. با این حال، به دلیل جنگ کوزوو، این امر تا سال ۲۰۰۱ محقق نگردید. با دیدار خاویر سولانا دبیرکل وقت ناتو از ارمنستان در فوریه ۱۹۹۷، ارمنستان تحکیم همکاری با ناتو را در دستور کار قرار داده و آمادگی خود را برای مشارکت در تمرینهای آموزش نظامی و ایفای نقش در اعزام نیروهای حافظ صلح تحت نظر سازمان ملل متحد اعلام نمود.<sup>(۷)</sup>

با افزایش کمکهای نظامی امریکا به آذربایجان پس از ۱۱ سپتامبر، ارمنستان با ابراز تمایل به گسترش همکاری با ناتو، آمادگی خود را برای میزبانی تمرینات نظامی طرح مشارکت برای صلح در سال ۲۰۰۳ اعلام داشت.<sup>(۸)</sup>

طی سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ ارمنستان در ۱۲۵ رویداد مرتبط با طرح مشارکت برای صلح از جمله چهار مانور این طرح شرکت نمود. در برنامه سال ۲۰۰۳ همکاری ناتو و ارمنستان نیز بیش از ۵۰ مورد مشترک اعلام گردید.

در اکتبر ۲۰۰۲، ارمنستان به ARP<sup>۱</sup> پیوست و در نوامبر همان سال، به عنوان عضو ناظر در مجمع آتلانتیک شمالی پذیرفته شد. ارمنستان هم اکنون عضو

---

1. Planning and Review Process

NACC<sup>۱</sup> و EAPC<sup>۲</sup> است. ارمنستان همچنین پیشنهاد اعزام نیروهای نظامی خود به کوزوو را در قالب نیروهای یونانی مستقر در آن کشور، ارائه و متعاقب آن در سال ۲۰۰۴ خواستار حضور در مانور نظامی طرح مشارکت برای صلح شد که قرار بود در آن سال در آذربایجان برگزار گردد لکن به دلیل عدم اعطای روادید به نیروهای ارمنی از سوی آذربایجان، مانور مذکور منتفی اعلام گردید.<sup>(۱)</sup>

در نوامبر ۲۰۰۴، در خلال دیدار رسمی «یاپ د هوپ شفر» دبیرکل ناتو از ایروان، وی روابط ناتو و ارمنستان را «به خوبی در حال توسعه» ارزیابی نمود. در سپتامبر همان سال، رئیس جمهور ارمنستان در اقدامی که می تواند بیانگر اراده جدی ایروان برای گسترش روابط با ناتو باشد، دیپلمات کهنه کار ارمنی ساموئل مکرتهچیان را به عنوان نماینده ارمنستان در مقر ناتو در بروکسل منصوب نمود. این وظیفه را قبلا سفیر ارمنستان در بروکسل عهده دار بود.

طی سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ناتو در چارچوب گسترش نفوذ خود به قفقاز جنوبی در صدد گسترش روابط با ارمنستان بر آمد. دیدار روبرت سیمونز نماینده دبیرکل ناتو از ارمنستان در ۲۳ و ۲۴ فوریه ۲۰۰۶ گام دیگری در جهت تقویت روابط دو جانبه بود. در بیانیه مشترک منتشر شده در خاتمه این سفر، وزیر دفاع ارمنستان و نماینده دبیر کل ناتو به طور مشترک بر این نکته تاکید نمودند که تقویت روابط ناتو و ارمنستان نباید موجب نگرانی مسکو در خصوص آینده عضویت ارمنستان در پیمان امنیت جمعی مشترک المنافع ( پیمان تاشکند) شود. روبرت سیمونز در مصاحبه خبری خود اظهار داشت: عضویت ارمنستان در «سازمان پیمان امنیت جمعی»<sup>۳</sup> مشترک المنافع هیچ تاثیری بر روابط این کشور و ناتو ندارد.<sup>(۱۰)</sup>

به طور طبیعی، ارمنستان دارای روابط سنتی با روسیه بوده و این کشور را به عنوان تضمین کننده امنیت خود به رسمیت شناخته است. همزمان، ایروان تاکید دارد که روابط آن با روسیه نافی توسعه روابط این کشور با غرب نیست. ارمنستان همکاری با ناتو را به مثابه راهی برای تنوع در سیاست خارجی و بهانه ای برای تقویت روابط با کشورهای

- 
1. North Atlantic Cooperation Council
  2. Euro-Atlantic Partnership Council
  3. Collective Security Treaty Organization (STO)

تربیی انتخاب نموده است. همکاری با ناتو همچنین بخشی از استراتژی کلان ایروان برای ازگشت به اروپا است که عنصر کلیدی آن، همگرایی با اتحادیه اروپا به شمار می رود. وبرت مارکاریان نخست وزیر ارمنستان در مصاحبه ای با روزنامه روسی کمرسانت در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶ اظهار داشت: "ارمنستان به روابط این کشور و ناتو به عنوان بخشی از سیاست همگرایی اروپائی می نگرد."<sup>(۱۱)</sup> همچنین، آرمن گیراگوسیان معاون وزیر خارجه ارمنستان نیز در کنفرانس بین المللی «ارمنستان\_ ناتو: دستورکار جدید برای مشارکت»<sup>۱۲</sup> در هشتم دسامبر ۲۰۰۶ در ایروان برگزار گردید اعلام نمود: "همکاری با ناتو یکی از اولویتهای سیاست خارجی ارمنستان است. برنامه مشارکت انفرادی و سیاست همسایگی اروپا مطابق منافع ملی کشور ما است ... ناتو می تواند نقش سازنده ای در مناقشه ره باغ و عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه ایفا نماید."<sup>(۱۲)</sup>

ارمنستان همچنین روابط با ناتو را عنصری مهم از استراتژی «سیاست خارجی کامل»<sup>۱</sup> می داند که به مفهوم تنوع بخشیدن به شرکای خارجی ارمنستان است. بعلاوه، ارمنستان تاکید دارد که عضوی از "سازمان پیمان امنیت جمعی" موسوم به "پیمان اشکند" است که توانائی ارمنستان در همکاری با دیگر سازمانهای دفاعی را محدود می سازد. بر این اساس است که ارمنستان ضمن موافقت با دخالت سازمان امنیت و همکاری اروپا در بحران قره باغ، با دخالت ناتو در این موضوع مخالف کرده است.

اولویتهای ارمنستان در همکاری با ناتو شامل دستیابی به قابلیتهای عملیات مشترک نیروهای ناتو و مشارکت در آموزشهای فنی این سازمان است. با این حال، ارمنستان لاقه چندانی به همکاری با ناتو در اصلاح همه جانبه ساختار نظامی خود ندارد. یکی از مهمترین دلایل این امر، آمادگی دائمی عملیاتی ارتش ارمنستان به منظور مقابله با حوادث غیر قابل پیش بینی در رابطه با بحران قره باغ است. با این حال، به نظر می رسد توجه به بودجه دفاعی ارمنستان که بیش از دو برابر بودجه نظامی گرجستان است<sup>(۱۳)</sup>، تش این کشور آمادگی بیشتری برای همکاری با ناتو داشته باشد.

با این حال، روابط ارمنستان و ناتو با موانع و محدودیتهائی نیز مواجه است. تداوم مناقشه قره باغ همچنان یکی از مهمترین موانع بر سر همکاری بینر ارمنستان و ناتو



است. این نکته از سوی مقامات ارمنی نیز مورد اذعان قرار گرفته است چنانچه سخنگوی وزارت دفاع ارمنستان معتقد است "اگر ما با مناقشه ای (قره باغ) حل نشده مواجه نبودیم، فرصتهای بیشتری برای همکاری با ناتو داشتیم"<sup>(۱۴)</sup> نکته حائز اهمیت آن است که مقامات ناتو نیز تاکنون نسبت به مداخله در بحران قره باغ و یا اعزام نیروی حافظ صلح در منطقه تمایلی نشان نداده است. این نکته به صراحت از سوی نماینده ویژه دبیرکل ناتو در قفقاز جنوبی اعلام شده است. به گفته وی، "ناتو به طور مستقیم در حل و فصل مناقشات در قفقاز جنوبی مشارکت نخواهد کرد و استقرار نیروهای حافظ صلح در منطقه را مورد بحث قرار نخواهد داد."<sup>(۱۵)</sup>

روابط ضعیف با ترکیه به عنوان یک همسایه و عضو ناتو از دیگر موانع بر سر راه مشارکت ارمنستان و ناتو است. در ژوئن ۲۰۰۴، روبرت کوچاریان رئیس جمهور ارمنستان با اشاره به روابط ایروان- آنکارا از حضور در نشست سران ناتو در استانبول امتناع کرد. به نظر می رسد با تغییرات اساسی در منطقه و افزایش احتمالی نقش امریکا از یک سو و بهبودی روابط روسیه و ناتو و ارمنستان و ترکیه از سوی دیگر، در مناسبات ایروان و ناتو نیز تغییراتی ایجاد گردد.

به نظر می رسد که آذربایجان در میان سه کشور قفقاز جنوبی تنها کشوری است که بیش از ناتو به تقویت روابط با این سازمان علاقمند است. تمایل یکطرفه آذربایجان به همکاری با ناتو طی سالهای اخیر از روندی رو به فزونی برخوردار بوده و به عنوان اولویت سیاست خارجی آن کشور اعلام شده است. در این رابطه می توان به بیانات حیدر علی اف رئیس جمهور پیشین مبنی بر اینکه "آذربایجان مایل به الحاق ناتو است"<sup>(۱۶)</sup> اشاره کرد. به دنبال این اظهارات بود که دیگر مقامات و سیاستمداران آذری با آزادی عمل بیشتری به طرح موضوع عضویت آذربایجان در ناتو پرداختند.

توسعه روابط آذربایجان و ناتو در قیاس با دیگر کشورهای مشترک المنافع از روندی کندتر برخوردار بود و سایه سنگین مناقشه آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ موضوعی غیر قابل انکار است. طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱، همکاری امریکا و بالطبع ناتو با آذربایجان به دلیل محدودیتهای ناشی از مقررات بخش ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی که ارائه هر گونه کمک از جمله کمک نظامی به آذربایجان را ممنوع می ساخت، از پیشرفت

خندانی برخوردار بود. با این حال، ادربایجان از همان ابتدای استقلال در جهت نفوخت باط با ناتو تلاش نمود و اولین دیدار رسمی مقامات آذری از مقر ناتو در بروکسل در بریه ۱۹۹۲ صورت گرفت. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و ارائه طرح مشارکت برای صلح، ربایجان در مناسبتهای مختلف خواستار افتتاح دفتر ناتو در باکو شد. بر اساس اظهارات ماینده ویژه آذربایجان در مقر ناتو "الحاق به ساختارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی وپایی و فرآتلاتیکی از زمان کسب استقلال در ۱۹۶۱ همواره از اولویتهای سیاست مارجی آذربایجان بوده است. مشارکت ناتو-آذربایجان که پس از امضای سند چارچوبی شارکت برای صلح در می ۱۹۹۴ در زمان رئیس جمهور سابق آذربایجان وارد مرحله ینی شد، نقش مهمی در این رابطه ایفا می کند."<sup>(۱۷)</sup>

در ماه می ۱۹۹۸ باکو تصمیم گرفت تا در قالب مشارکت در PARP، یک واحد نفاظت از صلح و کمیسیون دولتی همکاری با ناتو را ایجاد نماید. در سال ۱۹۹۹ آذربایجان به PARP محلق شد و از آن زمان یک واحد از نیروهای نظامی خود را در وزوو مستقر کرده است. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دولت بوش تقویت روابط با آذربایجان را در دستور کار قرار داد که حاصل آن، لغو برخی محدودیتهای در ژانویه ۲۰۰۲ د. متعاقب آن، آذربایجان یک واحد از نیروهای نظامی خود را به افغانستان فرستاد تا در الب نیروهای ترکیه در ترکیب نیروهای ایساف فعالیت نمایند. واحدهائی از نیروهای غلامی آذربایجان در عراق نیز حضور دارند. آذربایجان به طور فعال در رویدادهای نظامی غیر نظامی در چارچوب طرح مشارکت برای صلح و رویدادهای دوجانبه و منطقه ای همراه با دولتهای عضو ناتو (به جز ارمنستان) مشارکت دارد. در می ۲۰۰۳، آذربایجان مادگی خود برای مشارکت در IPAP<sup>۱</sup> را به جورج رابرتسون دبیر کل وقت ناتو ائه داد.

اهمیت همکاری با ناتو در آذربایجان به میزانی است که رئیس جمهور بر تمامی موضوعات همکاری روابط آذربایجان با ناتو نظارت مستقیم دارد. هماهنگ سازی سیاستها ر قبال ناتو از وظایف کمیسیون بین دولتی همکاری با ناتو است که ماهانه در سطح وزرا تشکیل جلسه می دهد. گروه کاری این کمیسیون دو بار در ماه تشکیل جلسه داده و

---

1. Individual Partnership Action Plan



اسناد لازم را آماده می‌سازد. نقش پارلمان آذربایجان در این رابطه چندان برجسته نیست و عمدتاً تایید کننده دیدگاهها و نظرات رئیس جمهور و کمیسیون مورد اشاره است. آذربایجان عضو ناظر مجمع پارلمانی ناتو بوده و در جلسات موسوم به «ابتکار روز-روث»<sup>۱</sup> که برنامه‌ای به منظور پیشبرد روابط مجمع پارلمانی ناتو و کشورهای کمونیستی سابق است، شرکت فعال دارد.

در بودجه آذربایجان ردیف خاصی به همکاری با ناتو اختصاص یافته و کمکهای ترکیه نقش مهمی در روابط باکو و اعضای ناتو ایفا می‌نماید با این حال برخی سیاست‌گذاران و مقامات بلند پایه آذربایجان از ایفای نقش برادر بزرگ توسط ترکیه ناراضی هستند. از دیدگاه برخی دیگر از مقامات آذری، ترکیه پنجره ورود آنان به ناتو و دنیای غرب قلمداد می‌گردد. کمکهای امریکا در بازسازی ارتش آذربایجان نیز حائز اهمیت است لکن لابی قدرتمند ارمنی در امریکا همچنان مانعی بزرگ بر سر راه گسترش روابط امریکا و آذربایجان محسوب می‌گردد. مقامات آذری با علم به این واقعیت، برخورداری از منابع انرژی منطقه را عامل توازن در مقابل تلاشهای لابی ارمنی می‌دانند تا جایی که الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان اعلام داشت که اهمیت روز افزون صدور انرژی منطقه، بعد جدیدی به روابط آذربایجان و امریکا اضافه نموده است.<sup>(۱۸)</sup>

به اعتقاد آذربایجان، نقش غرب و ناتو و منطقه در قفقاز جنوبی به دلایلی نظیر نزدیکی جغرافیایی آن با حوزه خزر و خاورمیانه، حمایت از خطوط لوله انرژی در منطقه و سیاست امریکا نسبت به روسیه و ایران افزایش خواهد یافت.<sup>(۱۹)</sup> بعلاوه، از دیدگاه آذربایجان، همکاری با غرب و امریکا پاسخگوی منافع دراز مدت این کشور خواهد بود. نخبگان سیاسی آذربایجان از طریق همکاری با ناتو در زمینه امنیت، قصد دارند روابط با غرب را بهبود بخشیده، امنیت خود را تحکیم نموده و از روابط با غرب در جهت حل و فصل بحران قره‌باغ که تاثیر قابل توجهی بر موقعیت داخلی و بین‌المللی آذربایجان گذاشته و حل و فصل آن مهمترین هدف دراز مدت سیاست خارجی این کشور است، به سود خود استفاده نمایند. به این دلیل، عدم تحرک ناتو در بحث قره‌باغ مورد سوال برخی مقامات و نخبگان آذری است.

---

1. Rose-Roth Initiative

گرجستان در میان سه کشور قفقاز جنوبی بیش از دو کشور دیگر به عضویت در ناتو یک شده است. این کشور در ژوئن ۱۹۹۲ به شورای همکاری آتلانتیک شمالی پیوست. سند چارچوبی طرح مشارکت برای صلح را در مارس ۱۹۹۴ امضاء نمود. تفلیس چنین در سال ۱۹۹۹ به عضویت PARP در آمد. گرجستان در چارچوب EAPC در روه کاری چشم انداز همکاری منطقه ای در قفقاز جنوبی<sup>۱</sup> مشارکت داشته و در ویریت حفظ صلح ناتو در کوزوو و عراق حضور دارد. ادوارد شواردناده رئیس جمهور ق گرجستان در بهار ۱۹۹۹ درخواست رسمی کشورش برای عضویت در ناتو را اصله پس از عضویت لهستان، جمهوری چک و مجارستان ارائه نمود.

در نوامبر ۲۰۰۲، پس از تصویب پارلمان گرجستان، ادوارد شواردناده درخواست می عضویت در نشست سران ناتو در پراگ را ارائه نمود. این اقدام پس از تحولات ۱۱ نامبر و توجه بیشتر امریکا به قفقاز جنوبی، روابط نزدیکتر روسیه و ناتو و تلاش جهانی مبارزه با تروریسم موضوعیت یافت. طی سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ گرجستان در بیش ۲۳۰ رویداد مرتبط با ناتو مشارکت نمود. که مهمترین آن، میزبانی مانور نظامی «طرح ارکت برای صلح» بود که در آن اعضا و شرکای ناتو حضور داشتند.<sup>(۲۰)</sup>

گرجستان همچنین همکاری با ناتو در خصوص اصلاح ساختار نظامی را بر اساس ات IPAP آغاز کرده است. IPAP تمرکز خود را بر چند موضوع کلیدی نظیر امنیت ها و کنترل غیر نظامی قوای مسلح متمرکز نموده است. گرجستان اهمیت خاصی مشارکت در نیروهای حافظ صلح قائل بوده و در این چارچوب هم اکنون نیروهای نی در کوزوو و عراق حضور دارند. برنامه دولت گرجستان برای عضویت در ناتو شامل فصل موضوعات نظامی، مسائل سیاسی و اقتصادی، منابع مالی، مقررات مربوطه و بدات امنیتی است. «اداره همگرایی با ناتو» با ماموریت آماده سازی طرح اصلاحات برای نیل به عضویت ناتو، در وزارت دفاع گرجستان ایجاد شده است. موضوع لرائی با ناتو همچنین از سوی بخش ناتو در اداره سیاسی و نظامی وزارت امور خارجه گیری می شود.

---

1. Ad Hoc Working Group on Prospects of Regional Cooperation in South Caucasus

گرجستان برای نیل به عضویت ناتو، اصلاح ساختار نظامی خود را آغاز کرده است. اولویتهای اصلاحات نظامی شامل کنترل ارتش توسط غیر نظامیان، ایجاد یک ارتش مدرن، بازسازی موسسات دفاعی و سازمان دهی مجدد نیروهای نظامی و ایجاد اسناد اساسی دولتی است. در تداوم چنین روندی، گرجستان از حمایت های سیاسی، مالی و فنی شمار زیادی از اعضای ناتو شامل ایالات متحده امریکا، ترکیه، بریتانیا و آلمان برخوردار است. در این میان، رابطه با امریکا برای گرجستان حائز اهمیت بسیار است. همکاری با امریکا هنگامی موضوعیت بیشتری یافت که در مارس ۲۰۰۲ برنامه آموزش و تجهیز گرجستان<sup>۱</sup> به اجرا درآمد. هدف این برنامه، آموزش سه واحد عملیاتی نیروهای مسلح و یک واحد از گارد ملی توسط مستشاران نظامی امریکا بود.

تمایل متقابل ناتو به گسترش همکاری با گرجستان نیز در مناسبتها و مقاطع زمانی مختلف ابراز شده است. در نشست ناتو در استانبول طی روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴، اعضای ناتو تمایل خود را به توسعه روابط با گرجستان و دیگر کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی اعلام داشتند. در بیانیه نهائی نشست سران، اعضای ناتو بر «اهمیت استراتژیک مناطق قفقاز و آسیای مرکزی» تاکید و خاطر نشان شده است که «ناتو با گسترش ارتباط با منطقه از جمله تعیین دو افسر رابط و انتصاب نماینده ویژه برای دو منطقه ( آسیای مرکزی و قفقاز) توافق دارد». در این بیانیه ضمن استقبال از تصمیمات متخذه توسط گرجستان، آذربایجان و ازبکستان برای پیشبرد IPAP<sup>۲</sup>، اقدامات دولت ساکاشویلی در گرجستان در مقابله با فساد و پیشبرد اصلاحات اقتصادی مورد تقدیر قرار گرفت و بر حل و فصل مناسب موضوع پایگاههای نظامی روسیه در گرجستان تاکید گردید.<sup>(۲۱)</sup>

تمایل ناتو مبنی به توسعه همکاری با کشورهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به وضوح بیانگر تلاش امریکا برای تعمیق نفوذ غرب در منطقه است. جرج بوش، رئیس جمهور امریکا، در سخنرانی خود در مراسم افتتاح نشست سران ناتو در روزهای ۲۸ و ۲۹ نوامبر ۲۰۰۶ اظهار داشت که واشنگتن به حمایت از تلاشهای گرجستان و اوکراین در آماده سازی ساختارهای نظامی خود برای عضویت در ناتو ادامه می دهد. وی گفت:

- 
1. Georgia Train-and-Equip Programme (GTEP)
  2. Individual Partnership Action Plans

بجا در ریداعصای نانو روشن خواهند ساخت ده درهای عضویت ناتو (برای این نوره‌ها) همچنان باز است.<sup>(۲۲)</sup> در کنفرانس خبری پس از نشست نیز «نینو بورجانادزه» بس پارلمان گرجستان عضویت این کشور را یک خواست ملی اعلام کرده و اظهار نیت: «ناتو نه تنها تامین کننده امنیت گرجستان بلکه سازمانی است که به دیگر مورها در تحکیم دموکراسی کمک می کند. عضویت در چنین سازمانی که مبتنی بر ول دموکراتیک است، برای گرجستان بسیار مهم می باشد.»<sup>(۲۳)</sup>

در مجموع، گرجستان الحاق به ناتو را به عنوان هدف استراتژیک سیاست خارجی د اعلام نموده و آن را به مثابه گامی مهم در رهایی از میراث اتحاد شوروی، بازگشت اروپا و تمدن غربی محسوب می نماید. بعلاوه، گرجستان از طریق ناتو در پی کیم موقعیت داخلی، تقویت موقعیت بین المللی، ارتقای کارآیی نیروهای مسلح و اعاده امیت ارضی خود است.

از دیدگاه مقامات گرجی، همکاری با ناتو می تواند گرجستان را به یک کشور امن در میر عبور خطوط انتقال انرژی منطقه به اروپا تبدیل نماید. بعلاوه، برخی سیاستمداران، شناسان و مقامات نظامی، همگرایی با ناتو را به عنوان دفاعی موثر در مقابل روسیه یابی نموده و بر این باورند که ناتو بایستی نقش فعالتری در رابطه با مسائل گرجستان ویژه در جهت اعاده ثبات، امنیت و تمامیت ارضی آن ایفا نماید. ایجاد یک نیروی فظ صلح به رهبری ناتو در ابخازیا می تواند نمایشی از این نقش مورد انتظار باشد.<sup>(۲۴)</sup> عی کارشناسان حتی اعتقاد دارند که گرجستان می تواند در قبال توقف روند عضویت ناتو یا کاهش سرعت آن، سیاست روسیه در قبال ابخازیا را به سود خود تغییر دهد. نه ساختارهای رسمی در گرجستان از مواضع معتدلتری در این خصوص برخوردار بوده ز ناتو انتظار ندارند به طور مستقیم در مناقشه ابخازیا دخالت نماید بلکه کماکان بر نراتژی بین المللی کردن مناقشه اصرار دارند.

### موانع و پیامدهای حضور ناتو و کشورهای قفقاز جنوبی

علیرغم تمایل متقابل برای توسعه همکاری بین ناتو و سه کشور قفقاز جنوبی، برخی دودیتها در مقابل ایفای نقش موثر ناتو وجود دارد. مهمترین چالش موجود ناتو در

منطقه روابط آن با روسیه است. به نظر می رسد مخالفت با گسترش ناتو از معدود مواردی است که در میان مقامات و نخبگان سیاسی روسیه نسبت به آن اشتراک نظر وجود دارد. آنان ناتو را ائتلافی ضد روسی می دانند که تداوم موجودیت و گسترش آن یک تهدید سیاسی- استراتژیک آشکار و نشانه تحقیر روسیه است. به اعتقاد آلکسی آرباتوف محقق مشهور روسی، "گسترش اتحادیه اروپا روندی طبیعی در همگرایی اروپایی است که از منافع قابل درک و واقعی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملت‌های اروپایی و واحدهای فراملی ناشی می شود... لکن گسترش ناتو به شرق از سوی بخش اعظم نخبگان سیاسی و مردم عادی به عنوان تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی روسیه محسوب می گردد. ناتو ائتلافی است که اساسا برای دفاع جمعی ایجاد گردیده و اکنون تنها مخالف بالقوه ای که ناتو ممکن است به صورت جمعی علیه آن اقدام نموده و قدرت نظامی عظیم خود را علیه آن به کار گیرد روسیه است. چنین شکلی از بی اعتمادی حتی اگر به ندرت و به طور تلویحی از سوی محافل رسمی غربی اظهار گردد، عمیقا دارای ماهیت تهاجمی علیه روسیه است."<sup>(۲۵)</sup>

"گلب پاولوفسکی" رئیس «بنیاد سیاست موثر» روسیه که یک مرکز مشورتی سیاسی است معتقد است تنها روسیه می تواند تضمین کننده امنیت در آسیای مرکزی و قفقاز باشد. به گفته وی، "این جامعه مشترک المنافع و نه ناتو است که می تواند تضمین عینی امنیتی به منطقه اعطاء نماید. هر یک از کشورهای منطقه که برای حل مشکلات خود به ناتو چشم امید داشته باشد بزودی ناامید خواهد شد."<sup>(۲۶)</sup> «آندره کوکوشین» رئیس کمیته امور مشترک المنافع دومای دولتی روسیه نیز اعتقاد دارد که مشکلات در عراق بیانگر وضعیت بیمار گونه اعضای ناتو است.<sup>(۲۷)</sup>

کنستانتین کوساچف رئیس کمیته امور بین الملل دومای دولتی روسیه طی مقاله ای در روزنامه ایزوستیا اظهار داشت، "روسیه بایستی از نفوذ خود در منطقه به منظور تشویق روندهای دمکراتیک استفاده کرده و به دولتهای منطقه نشان دهد که کرملین قصد ندارد تسلط نظامی و اقتصادی خود را به شیوه عصر اتحاد شوروی به منطقه تحمیل نماید... در این شرایط، رهبران منطقه روسیه را به مثابه تضمین کننده ثبات و امنیت محسوب می کنند."<sup>(۲۸)</sup>

به همان میزان که ناتو با علاقمندی توجه خود را به قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی معطوف نموده است، روسیه نیز بر حفظ ارتباطات سیاسی و امنیتی خود با آنان تاکید می‌کند. روسیه عمیقا نسبت به گسترش و تعمیق روابط گرجستان و ناتو و احتمال استقرار یک پایگاه نظامی امریکائی در این کشور نگران است. به ویژه آن که ناتو در دامات خود در گرجستان منافع و نگرانیهای امنیتی روسیه را مورد توجه قرار نمی‌دهد. ای مثال، مانور نظامی ناتو در قالب طرح مشارکت برای صلح در ژوئن ۲۰۰۱ در نزدیکی رزهای ابخازیا انجام شد که نارضایتی مسئولین ابخازی و روسی را فراهم نمود. بر اساس زارش نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در گرجستان، نفربرهای زرهی و ملی کویپترهای ناتو با نقض توافق نامه آتش بس ۱۹۹۴ مسکو، در مناطق ممنوعه ملیات کردند و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل ناچار شدند به دلیل مانور مذکور عالیتهای گشت زنی خود را به منطقه «کولوی» محدود کنند.<sup>(۲۹)</sup> با این حال، ناتو مزمان با اعلام علاقمندی خود به گسترش حضور در قفقاز و آسیای مرکزی، به دنبال ادن اطمینان خاطر به روسیه است.

دیدگاه جرج رابرتسون دبیرکل سابق ناتو قابل توجه است که می‌گوید: "حضور بیش انتظار ناتو در قفقاز می‌تواند غیر سازنده و موجب افزایش بی ثباتی باشد زیرا به نزایش تنش در روابط ناتو و روسیه منجر می‌گردد. اقدامات ناتو می‌تواند از سوی روسیه حریک آمیز تلقی گردد." وی می‌افزاید: "روسیه به مدت زیادی دشمن تلقی می‌گردید کن اکنون شرایط کاملا تغییر کرده است."<sup>(۳۰)</sup> رابرت سیمونز نماینده ویژه ناتو در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی در کنفرانس خبری اظهار داشت که ناتو در نفوذ در حوزه موروی سابق با روسیه رقابت نکرده و نخواهد کرد. با این حال، وی ضمن تاکید بر اینکه اتو با سازمانهای امنیتی منطقه که تحت رهبری روسیه هستند رقابت نکرده است گفت نه "ناتو ترجیح می‌دهد مشارکت خود را به طور جداگانه به همکاری با اعضای این سازمانها محدود نماید."<sup>(۳۱)</sup>

اهمیت روسیه همچنین مورد اذعان حاضرین در اجلاس ۲۰۰۶ سران ناتو در ریگا رار گرفت و در بیانیه نهائی ذکر شد که "حل و فصل مناقشات منطقه بدون در نظر نرفتن دیدگاهها و منافع دیگر بازیگران به ویژه روسیه غیر ممکن است". بیانیه پایانی



نشست ریگا تاکید دارد که تحولات ناتو نایبستی از سوی هیچ کشور و یا سازمان دیگری به عنوان تهدید قلمداد گردد.<sup>(۳۲)</sup>

نکته حائز اهمیت آن است که در اجلاس ریگا توجه خاصی به موضوع امنیت انرژی معطوف گردید و تهدید روسیه از این ناحیه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت به نحوی که ریچارد لوگار سناتور جمهوریخواه خواستار تغییر ماده ۵ معاهده آتلانتیک شمالی شد. در این ماده با اشاره به این که "هر گونه حمله نظامی به اعضای ناتو در اروپا و امریکای شمالی به منزله حمله به تمامی اعضا است"، خواستار هماهنگی اعضای ناتو از جمله استفاده متقابل از نیروی نظامی می شود. سناتور لوگار در پی آن بود تا با تغییر در جمله بندی این ماده، موضوع امنیت انرژی را نیز در قالب یک تهدید تعریف نموده و هر گونه تهدید به تحریم انرژی علیه یکی از اعضای ناتو را به مثابه حمله به تمامی اعضا قلمداد نماید. غالب تحلیلگران این پیشنهاد را یک حرکت ضد روسی و با هدف مقابله با اهرم انرژی و خطوط لوله روسیه ارزیابی نمودند.

علاوه بر مخالفت روسیه با گسترش ناتو، موانع دیگری در روابط ناتو و کشورهای حوزه قفقاز جنوبی وجود دارد. مقامات ارمنستان در عین استقبال از حضور ناتو در قفقاز، روشن ساخته اند که تمایلی به جایگزینی روسیه با ناتو ندارند. روبرت کوچاریان در مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل اظهار داشت: "از نظر ارمنستان گسترش همکاری با ناتو درست است اما عضویت ما در ناتو نه تنها امنیتی برایمان به ارمغان نمی آورد بلکه موجب سوء تفاهم می شود که ما رفتاری متناقض در پیش گرفته ایم. ما در منطقه پیچیده ای زندگی می کنیم و مناسبات مفیدی با ایران و روابطی بسیار نزدیک با روسیه داریم. بدون تردید چرخش ما به سوی ناتو روابطمان را با این کشورهای همسایه خراب می کند. من بر این باورم که گرایش به ناتو امنیت ما را افزایش نمی دهد و این کار به معنای عدول از عمل گرایی است."<sup>(۳۳)</sup>

سرژ سرکیسیان وزیر دفاع ارمنستان نیز در سال ۲۰۰۶ اعلام داشت "ارمنستان قصد عضویت در ناتو را ندارد."<sup>(۳۴)</sup> مقامات ارمنی معتقدند که همگرایی با روسیه ناشی از مشکلات سیاسی و موقعیت ژئواستراتژیک این کشور است و این امر امکان انتخاب در سیاست خارجی ارمنستان را محدود می کند.

مانع مهم دیگر در همکاری نزدیک ناتو و ارمنستان، مسئله برداشت منفی از ناتو نزد ارمنی و نخبگان ارمنستان است. از دیدگاه آنان، عضویت و همکاری نزدیک ترکیه عنوان دشمن دائمی ارمنه با ناتو امری ناخوشایند است. گشتار ارمنه توسط ترکیه در قرن بیستم همچنان بخشی اساسی از ذهنیت تاریخی ارمنه است. چنین ذهنیتی با ایت همه جانبه ترکیه از آذربایجان در مناقشه بر سر قره باغ هر چه بیشتر تقویت شده است. گرچه مقامات ارمنی از موضعی عملگرایانه تر نسبت به موضوع ترکیه نگاه میکنند و ترکیه نیز موضعی مشابه اتخاذ نموده است (از جمله حضور ترکیه در یمن مشارکت برای صلح در ایروان) لکن دیدگاه منفی مردم و مواضع تند ارمنه در کشور، شانس زیادی برای مصالحه باقی نمی گذارد. به هر حال، نقش دو کشور یمن و ترکیه در شکل گیری روابط ارمنستان و ناتو بسیار مهم است.

به همان اندازه که مقامات رسمی ارمنی تاکید می کنند که محدودیتی برای تارگی با ناتو قائل نیستند، پیشنهادهای ارائه شده توسط ناتو مبنی بر حمایت مشورتی تر یا کمکهای عملی از سوی مقامات ارمنی رد شده است. ارمنستان برای پذیرش نهادهای مالی، اطلاعاتی و آموزشی ناتو آمادگی دارد لکن تمایلی به تطبیق خود با ندادهای جاری ناتو که دیگر اعضای بدان عمل می کنند ندارد. مانع مهم دیگر، سبلی ارمنستان به انجام اصلاحات در ساختار نظامی خود است زیرا در این خصوص و مع کنترل مرزها بشدت به روسیه وابسته بوده و با آن کشور همکاری می کند.

در خصوص آذربایجان، مناقشه پایان نیافته قره باغ موجب افزایش انتظارات باکو در ناتو گردیده و همزمان تصویر غرب نزد افکار عمومی و نخبگان این کشور را به دار نموده است. در آذربایجان، احساس ناخوشایندی از ناکارآمدی سازمانهایی نظیر ان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا و مواضع انفعالی غرب در رابطه با ن قره باغ وجود دارد. در افکار عمومی آذربایجان این تصور شکل گرفته که اگر غرب سیاسی لازم را به کار می گرفت، بحران قره باغ می بایستی سالیان قبل حل و فصل بود. آنان استاندارد دو گانه غرب در سیاست بین الملل و حمایت کشورهای غربی از ارمنستان و چشم پوشی آنان از نقض حقوق خود توسط ارمنه را مطرح می کنند. این بی ناشی از شکست ناتو و غرب در برآوردن انتظارات آذربایجان، ممکن است بر آینده

روابط آذربایجان و ناتو و تلاش مقامات این کشور در گسترش همکاری با ناتو تاثیر جدی بگذارد. وابستگی دو جانبه استراتژیک گرجستان و آذربایجان در طرحهای همگرایی با غرب، نکته مهمی است و شکست هر یک از این دو کشور می تواند بر میزان توفیق دیگری موثر باشد. برای آینده آذربایجان مهم است که ناتو در مورد گرجستان چگونه عمل خواهد کرد.

مهمترین مشکل گرجستان، ضعف ساختار قوای نظامی این کشور از جمله نیروهای دفاعی و مشکلات اقتصادی آن است. تفلیس همچنان با مشکل اعمال حاکمیت بر تمامی قلمرو خود مواجه است. دولت مرکزی تاکنون نتوانسته اقتدار و حاکمیت خود بر آبخازیا و اوستیای جنوبی، اعاده نماید و وضعیت در آجاریا و جاواختی نیز اطمینان بخش نیست. موقعیت گرجستان به دلیل همکاری نزدیک روسیه با این مناطق بسیار پیچیده تر است. دیدگاه مقامات ناتو آن است که فقدان تسلط دولت مرکزی گرجستان بر مناطق آشوب زده و ادامه فعالیت پایگاههای نظامی روسیه در این کشور تاثیری بر همکاری گرجستان و ناتو ندارد لکن بدون حل فصل این موضوعات، تفلیس شانسی برای تحقق عضویت خود در ناتو ندارد.

گرجستان با مشکلات مالی جدی روبرو است و دارای یکی از پایین ترین بودجه های نظامی در منطقه است. بودجه نظامی این کشور در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۵ میلیون دلار بود در حالیکه نیروهای نظامی این کشور ۸۲۰۰ نفر بوده و وزارت دفاع این کشور خواستار دو برابر شدن بودجه مذکور برای تامین نیازهای اولیه ارتش است. فقدان برنامه ریزی دفاعی مشکل دیگر گرجستان است و تا سال ۲۰۰۲ که ده سال از استقلال این کشور سپری می شد، تفلیس فاقد یک استراتژی امنیتی، دکترین نظامی و برنامه ریزی نیروی نظامی بود. سیاست گرجستان در قبال ناتو ناشی از نیاز این کشور به تامین امنیت و دفع تهدیدات است

در مجموع، رهبران گرجستان تصدیق می کنند که دستیابی به معیارهای مورد نیاز برای عضویت در ناتو، چالشها و مشکلات خاص خود را به دنبال دارد. در این رابطه، «ایراکلی منقاراشویلی» وزیر خارجه اسبق گرجستان معتقد است، "گرجستان باید به بلوغ کامل برای عضویت در ناتو برسد. هیچ کس غیر از خود گرجیها نمی تواند ارزیابی دقیقی از آن شرایط داشته باشد و این مسئولیت تنها بر دوش گرجی ها است."<sup>(۳۵)</sup>

ناتو در حالی در صف‌های جنوبی حضور دارد نه بر نیب، فعالیتها و ممانعت اعضای آن در حال تغییر است. ناتو از یک پیمان دفاعی بتدریج به تامین کننده امنیت در اروپا و ناحی هم‌جوار آن تبدیل شده است. جایی که دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی ناتوان هستند، ناتو اراده و ظرفیتهای خود را برای حضور در مناطق و کشورهایی که برای امنیت اروپا اهمیت دارند نشان داده و در صحنه امنیتی این کشورها به طرز متفاوتی عمل کرده است.

اکنون این سوال مطرح است که حضور روزافزون ناتو در قفقاز جنوبی دارای چه مفهومی است و چه پیامدهایی دارد؟ نخست این که حرکت ناتو به سوی قفقاز جنوبی احتمالاً با هدف افزایش ثبات و امنیت این کشورها که درگیر موجی از بی‌ثباتی هستند صورت گرفته است. دوم اینکه حضور ناتو در منطقه عضویت این کشورها در ناتو را سهیل و تسریع می‌کند. برخی کشورها ممکن است قابلیت‌های لازم را برای عضویت داشته باشند لکن راه طولانی برای انجام اصلاحات سیاسی و نظامی در پیش دارند. تنها ذربایجان و گرجستان آرزوی پیوستن به ناتو را مطرح کرده اند و هر دو به IPAP پیوسته اند.

در حالی که برخی از اعضای اولیه ناتو تمایلی به توسعه حضور در قفقاز جنوبی دارند، برخی صاحب نظران بر تسریع روند الحاق این دو کشور به ویژه گرجستان تاکید داشته و آن را در جهت اهداف ناتو می‌دانند. سوانته کورنل کارشناس برجسته مسائل قفقاز معتقد است که " گام اول در تقویت نقش ناتو در منطقه، الحاق گرجستان به «برنامه عمل عضویت»<sup>۱</sup> در اسرع وقت است و این می‌تواند زمینه را برای الحاق گرجستان به ناتو فراهم آورد. به موازات آن، به سود اتحادیه اروپا خواهد بود که از ایفای نقش ناتو در ارمنستان و آذربایجان و هماهنگ سازی اقدامات خود با ناتو در این دو کشور حمایت کند"<sup>(۳۶)</sup>

موضع دولتهای اروپائی در مورد ضرورت ایفای نقش بیشتر ناتو در منطقه مبهم است. این در حالی است که امریکا بیش از دیگران بر گسترش حضور ناتو در منطقه اصرار دارد. این موضع امریکا توسط برخی دیگر از اعضای ناتو به ویژه اعضای جدید در اروپای شرقی

---

1. Membership Action Plan (MAP)

مورد تبعیت قرار خواهد گرفت. با این حال، مباحثات در درون ناتو در خصوص میزان و ابعاد ایفای نقش این سازمان در قفقاز جنوبی همچنان ادامه دارد که این امر بر میزان کارایی آن در منطقه تاثیر خواهد گذارد.

هر سه کشور قفقاز جنوبی با درجات متفاوت تمایل خود را به الحاق به ساختارهای ناتو اعلام داشته و در این جهت نیز گام‌هایی برداشته اند. البته فضا برای همکاری ناتو و ارمنستان محدودتر از دو کشور دیگر است و بیش از هر چیز به تحولات آتی در منطقه و از آن مهمتر آینده روابط ناتو و روسیه بستگی دارد. تحولات دیگر نظیر بهبود روابط ارمنستان و ترکیه از یک سو و یا بروز نشانه‌های مثبت در روابط روسیه با گرجستان و آذربایجان نیز می‌تواند در این جهت تاثیرگذار باشد. برای دو کشور آذربایجان و گرجستان، ناتو بیش از آن که تامین‌کننده امنیت آنها باشد، نیرویی است که آنان را به تغییر و اصلاح در ساختارهای سیاسی و امنیتی وادار می‌سازد.

در زمینه امنیت منطقه ای، ایفای نقش موثر ناتو در تامین ثبات قفقاز جنوبی محل تردید است. علیرغم حضور روبه‌فزونی ناتو در منطقه، مسائل و نکات مبهمی همچنان باقی است؛ نخست آن که ناتو عمدتاً در پی پرداختن به مسائل و تهدیدات امنیتی است که به طور مستقیم امنیت اروپا را مورد خطر قرار می‌دهد. حضور ناتو در قفقاز جنوبی تاکنون به تلاش برای ایجاد تحول در ساختارهای نظامی و امنیتی سه کشور منطقه محدود شده و این سازمان نتوانسته است نیازهای امنیتی جدی‌تر این کشورها به ویژه مناقشات داخلی را برطرف نماید. ثانیاً، اعضای ناتو تاکنون در تدوین یک استراتژی روشن با اهداف تعریف شده در قبال منطقه قفقاز جنوبی توفیقی نیافته‌اند. از سوی دیگر، هر سه کشور قفقاز جنوبی نیز در پی آن هستند تا از موضوع عضویت در ناتو به عنوان ابزاری در جهت متنوع‌سازی سیاست خارجی خود و حل و فصل مسائل داخلی به ویژه مناقشات در ابخازیا، اوستیای شمالی و قره‌باغ استفاده نمایند. این سوال برای کشورهای قفقاز جنوبی همچنان باقی است که آیا درهای ناتو در آینده دور یا نزدیک بر روی آنان باز خواهد بود؟ آیا ناتو آماده حمایت از آنان در صورت وقوع هر گونه تهاجم خارجی خواهد بود؟ به عبارت دیگر، هنوز روشن نیست که آیا دولت‌های قفقاز جنوبی در محدوده امنیت اروپایی یا در حاشیه فضای امنیتی این قاره قرار دارند؟ جرج رابرتسون

میردل سابق ناتو بر این باور است که ناتو نبایستی به مثابه دارویی معجزه اسا برای فای تمامی بیماریهای ژئوپلتیک منطقه تعبیر گردد. ناتو نمی تواند نقش تسریع کننده ند استقرار صلح در منطقه قفقاز جنوبی را ایفا نماید.<sup>(۳۷)</sup> وی با اشاره به تلاشهای به مل آمده در جهت حل و فصل مناقشات منطقه ای ادامه می دهد که "مسئولیت نیل به صلح اساسا بر عهده خود این کشورها است". وی می افزاید که "درهای ناتو بر روی ربایجان و ارمنستان باز است لکن مسیر آن طولانی و دشوار می نماید."<sup>(۳۸)</sup>

### میجه گیری

حضور ناتو و دیگر سازمانهای بین المللی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و مکاری در اروپا گرچه تحول مهمی در روند مسائل منطقه قفقاز جنوبی محسوب ی گردد، لکن دستاوردهای آن درزمینه استقرار صلح و ثبات، مطابق انتظارات کشورهای طلقه نبوده و تغییر بنیانی در این زمینه ایجاد نکرده است. گرچه ناتو از طریق برنامه شارکت برای صلح به کشورهای قفقاز جنوبی در تلاشهای آنان برای ایجاد ساختارهای ناسب و کارآمد نظامی مساعدت نموده و از طریق دیگر ابتکارات و برنامه های جانبی، تباطات و مشارکت بین اعضای سازمان و کشورهای قفقاز جنوبی را تقویت کرده است ن تاکنون در مواجهه با مهمترین چالشها و نیازهای امنیتی منطقه با شکست مواجه ده است. مناقشات منطقه ای هنوز حل و فصل نشده است، مرزها همچنان فاقد کنترل افی است، قاچاق مواد مخدر و اسلحه ادامه دارد و بسیاری از سرزمینها از قلمرو ماکمیت دولتهای مرکزی خارج است. بعلاوه، سازمانهای بین المللی به ویژه ناتو، کنون از ارائه تضمینهای امنیتی به کشورهای منطقه خودداری نموده و تمامی این ازمانها از حل مهمترین مسائل امنیتی منطقه ناتوان مانده اند.

در تحلیل علل عدم توفیق ناتو و دیگر سازمانهای بین المللی در قفقاز جنوبی ی توان به مواردی نظیر فقدان اختیار لازم، ناکافی بودن منابع مورد نیاز، عدم توافق میان ضا این سازمانها و بالاخره فقدان اراده سیاسی قوی در میان اعضای این سازمان برای خالت هر چه بیشتر در مسائل منطقه به دلیل اهداف متفاوت و بعضا متضاد این اعضا باره نمود.



1. "Partnership for Peace: Framework Document", *NATO Press Communiqué M1 (94) 2, Annex*, 10 January 1994.
2. "Partnership for Peace: Invitation", *Ministerial Meeting of the NAC/NACC*, NATO Headquarters, Brussels, 10-11 January 1994; in: <http://www.nato.int/docu/comm/49-95/c940110a.htm>
3. Stephen Blank, "NATO's Drive to the East", *The National Interest*, 11 February 2004.
4. "Caucasus Today: Perspectives of Regional Cooperation and Partnership with NATO", *speech by Lord Robertson, Secretary General of NATO*, Tbilisi, Georgia, 26 September 2000.
5. Jaba Devdariani: "NATO Interest in Caucasus Security Confirmed By Secretary", *Eurasia Insight*, 11/20/2006, in: <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav051903.shtml>
6. Domitilla Sagramoso: "The UN, the OSCE and NATO", in: *The South Caucasus' a Challenge for the EU*, Chaillot Papers, No. 49, p.81.
7. Inga Paliani, "EAPC and PFP Enhancements in Promoting Security: The Caucasian Perspective", *NATO-EAPC Research Fellowship*, 2000-2002, Final Report, p. 20.
8. "Statement by His Excellency Vartan Oskanian, Minister of Foreign Affairs of the Republic of Armenia", Brussels, 7 December 2001, in: <http://www.nato.int/docu/speech/2001/s011207aa.html>
9. Liz Fuller: "NATO Cancels Planned Maneuvers In Azerbaijan", *Radio Free Europe / Radio Liberty*, Monday, September 13, 2004, in: <http://www.rferl.org/featuresarticleprint/2004/09/00f4f913-6fa9-4966-a36837c8f966>
10. Samuel Martirosyan: "Armenia Bets on NATO", *Eurasia Insight*, 3/10/05, in: [http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav031005\\_pr.shtml](http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav031005_pr.shtml)
۱۱. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایروان، آبان ماه ۱۳۸۵.
۱۲. همان.
13. "NATO and its Partners in Eastern Europe and Southern Caucasus", *CES Project*, Center for Eastern Studies, Warsaw, December 2003, p.51
14. Martirosyan, *Ibid*.
15. *Ibid*.
۱۶. حیدر علی اف این اظهارات را در دیدار با "بروس جکسون" رئیس کمیته امریکائی ناتو در تاریخ ۱۸ آوریل ۲۰۰۳ عنوان نمود.
17. <http://www.nato.int/pfp/azerbaijan/homepage.htm>
18. "Azerbaijan, NATO Discuss Closer Ties", *Radio Free Europe / Radio Liberty*, November 8, 2006, in: <http://www.rferl.org/featuresarticleprint/2006/11/fcd67947-91c2-48d3-aded-dab4fed2>
19. "NATO and its Partners in Eastern Europe and Southern Caucasus", *Ibid*., p.46

20. James E. De Temple: "Expanding Security Eastward: NATO's Primary Challenge in the South Caucasus and Central Asia", *Research Report*, Boston University, Apr 2001, p.32.

21. Mevlut Katia: "NATO Embraces Central Asia and the Caucasus at Istanbul Summit", *Eurasia Insight*, 6/30/04, in:

<http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav063004j3r.shtml>

22. *Ibid*

23. *Ibid*.

24. "NATO and its Partners in Eastern Europe and Southern Caucasus", *Ibid.*, p.47

25. "Europe after the NATO and EU Enlargements", *Report of the Frsun Conference*, organized by the Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), 20-21 April 2001, p.37-38.

26. Sergei Blagov: "In Central Asia, Russia Pushes Back Against NATO Influence", *Eurasia Insight*, 7/02/04, in:

[http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav070204\\_pr.shtml](http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav070204_pr.shtml)

27. *Ibid*.

28. *Ibid*

29. "Report of the Secretary-General Concerning the Situation in Abkhazia, Georgia", *United Nations Security Council*, S/2001/713, 19 July 2001, p.3.

30. *Arminfo News Agency*, May 14, 2003.

31. *Ibid*.

32. *Ibid*.

روبرت کوچاریان: "پیوستن ما به ناتو موجب سوء تفاهم می شود"، *روزنامه اعتماد* (به نقل

شپیگل)، سال ششم، شماره ۱۴۷۶ مورخه ۱۳۸۶/۶/۴، صفحه ۱۳.

34. Jaba Devdariani: "NATO Interest in Caucasus Security Confirmed By Secretary", *Eurasia Insight*, 11/20/2006, in:

<http://www.eurasianet.org/departments/insisht/articles/eav051903or.shtml>

35. *Ibid*.

36. Svante E. Cornell, S. Frederick Starr: *The Caucasus: A Challenge for Europe*, Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, p. 78-79, in:

[www.silkroadstudies.org](http://www.silkroadstudies.org)

37. Turan News Agency, May 15, 2006.

38. Jaba Devdariani: "NATO Interest in Caucasus Security Confirmed By Secretary", *Eurasia Insight*, 11/20/2006, in:

<http://www.eurasianet.org/departments/insisht/articles/eav051903or.shtml>